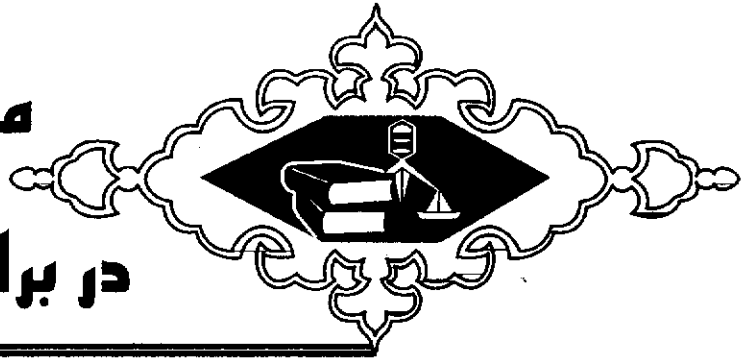


مسئولیت مدنی والدین

در برابر اعمال زیانبار فرزند



ایراندخت نظری - مدرّس

که در روابط خانوادگی، اخلاق، عواطف و احساسات بیش از قانون حکومت دارد. قانون، والدین را مکلف به نگهداری از فرزند کرده و در برابر دیگران و در روابط با اشخاص بیگانه، وظایفی هم بر عهده ایشان نهاده است که هر گاه در انجام آن قصور کنند، مسؤول شناخته می‌شوند. یکی از این وظایف، نگهداری و تربیت صحیح کودک است به نحوی که کودک با اعمال و رفتار خود به دیگران زیان نرساند و هرگاه چنین کرد، پدر و مادر خطا کار به سبب تقصیری که مرتکب شده‌اند، می‌بایست زیان وارد را جبران کنند.

در سیستم حقوقی ایران، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، به بیان مسئولیت اشخاصی پرداخته که نگهداری و مواظبت از مجنون یا صغیر را بر عهده دارند. این ماده علاوه بر والدین که قانوناً موظف به مراقبت از فرزند خود هستند، کسانی را که به موجب قرارداد، این وظیفه را بر عهده گرفته‌اند، مانند پرستار، نیز مسؤول می‌شناسد.^۱

نکردند و زبانی به بار آمد، ناگزیر آن را جبران کنند. اما گاه قانون اشخاص را به سبب عمل دیگری و در حقیقت به سبب خسارتی که شخص دیگر آن را به وجود آورده، مسؤول می‌شناسد، مثل مسئولیت سرپرست مجنون یا صغیر به جبران خسارتی که این اشخاص به بار آورده‌اند. قانون مسئولیت مدنی ایران، در مورد اعمال زیانبار مجنون یا صغیر، کسی را مسؤول می‌شناسد که نگاهداری یا مواظبت این اشخاص به حکم قانون یا به موجب قرار داد، بر عهده وی قرار دارد. والدین از جمله اشخاصی هستند که قانوناً مکلف به نگهداری و مواظبت از فرزند خود می‌باشند که ما در این مقاله مسئولیت ایشان را در قبال اعمال زیانبار فرزندشان بررسی کرده و به‌مناسبت، مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه و سیستم کامن‌لا به عمل خواهد آمد.

بخش اول - کلیات

طرح مطلب: وظیفه والدین در نگهداری و تربیت فرزندان، وظیفه‌ای قانونی و اخلاقی است، شاید بتوان گفت

مقدمه - هنگامی که کودکی زبانی به بار می‌آورد، اولین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که چه کسی مسؤول جبران خسارت است؟ و آیا اصولاً می‌توان جبران زیان به بار آمده توسط کودک را مطالبه کرد؟

شاید زمانی به این سؤال با تردید پاسخ داده می‌شد و این باور وجود داشت که چون کودک مسؤول اعمال و رفتار خود نیست، پس جبران زبانی را که به بار آورده نه از او بلکه از والدینش هم نمی‌توان مطالبه کرد. اما امروزه با توسعه قلمرو مسئولیت مدنی، تردیدی وجود ندارد که هیچ زبانی نباید بدون جبران باقی بماند، هرگاه در نتیجه عمل یا ترک فعل شخصی خسارتی به بار آید او ملزم به جبران آن است. بطور معمول و بنابر اصل، هر شخص مسؤول عواقب و آثار عمل زیانبار خویش است. قانون، اشخاص را ملزم می‌کند که به وظیفه خود عمل کرده یا از انجام اعمالی خودداری کنند و هرگاه چنین

(۱) ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت

می‌توان گفت در سیستم حقوقی ایران، مسئولیت والدین نه به سبب دارا بودن رابطه خویشاوندی بلکه به مناسبت داشتن سمت سرپرستی مورد بحث قرار گرفته است.

بر خلاف حقوق ایران، قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۳۸۴ - بند ۴ - پدر و مادر را متضامناً مسؤول اعمال فرزند خود دانسته، تقصیر ایشان را در این مورد مفروض داشته است.

در سیستم حقوقی کامن‌لا، که کشورهایمانند آمریکا و انگلیس از آن تبعیت می‌کنند، مسئولیت والدین به سبب اعمال فرزند، با تردید مورد قبول قرار گرفته است؛ زیرا در آن جوامع به سبب وجود اعتقادات و فرهنگ خاصی که رواج دارد، عقیده بر این است که والدین سلطه و اقتدار لازم را بر فرزند خود ندارند، بنابراین نمی‌توان شخصی را که بر دیگری تسلط ندارد، در برابر اعمال او مسؤول شناخت. در این سیستم حقوقی، والدین از نظر یک وظیفه اجتماعی موظف به نگهداری فرزند خود هستند و مسئولیت ایشان از این دیدگاه بررسی می‌شود.

مسئولیت مدنی والدین که تحت عنوان مسئولیت ناشی از عمل غیر مورد بحث قرار می‌گیرد چهره‌ای استثنایی از مسئولیت است اما گفته شده که در این مورد هم شخص در حقیقت به سبب تقصیری که در انجام وظیفه خود در جهت حفظ و نگهداری و تربیت کودک مرتکب شده، مسؤول شناخته می‌شود؛ پس خسارتی را که جبران می‌کند، خسارت تقصیر خویش است، هر چند که این زیان

را دیگری به بار آورده است.

برای وارد شدن در بحث، لازم است مفاهیمی مانند والدین و فرزند از نظر حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

۱) تعریف والدین - شاید در بدو امر تصور شود که با توجه به روشن بودن مفهوم پدر و مادر، چه نیازی به این تعریف وجود دارد؛ اما چون مطلب از نظر حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد، تعیین و تبیین دقیق واژه‌ها از نظر شناخت مسئولیت و شخص مسؤول، بسیار مهم است.

در سیستم حقوقی ایران، زن و مردی که به وسیله عقد نکاح به یکدیگر مربوط شده و فرزندان ایشان که قانوناً و شرعاً از این رابطه به وجود آمده‌اند، اعضای خانواده را تشکیل می‌دهند. در این مجموعه، مرد رئیس خانواده بوده به موجب ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، بر طفل ولایت دارد. وظیفه مادر در کنار پدر حضانت از طفل و تربیت و نگهداری اوست (مواد ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۲، ۱۱۷۸ قانون مدنی) بنابراین در حقوق ایران، والدین قانونی به زن و مردی اطلاق می‌شود که بر اثر نکاح صحیح با یکدیگر مربوط شده و از این رابطه دارای فرزند هستند.

هر چند در اجتماع ما با توجه به تعلیمات و اعتقادات مذهبی، قانون و عرف، روابط آزاد و نامشروع، مردود بوده و جرم شناخته می‌شود، اما سؤالی که مطرح می‌گردد این است که از نظر مسئولیت جبران خسارت، آیا فقط والدین قانونی مسؤول هستند، یا اینکه والدین طفل نامشروع هم، قانوناً ملزم به جبران خسارات ناشی از عمل فرزند خود

می‌باشند؛ به عبارت دیگر، آیا چنین زن و مردی می‌توانند به بهانه قانونی نبودن نسب فرزند خود، از مسئولیت اعمال او نیز شانه خالی کنند؟

پاسخ این است که با توجه به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی که بطور مطلق اشخاصی را که نگاهداری و محافظت کودک بر عهده ایشان قرار دارد، مسؤول شناخته، می‌توان برای چنین زن و مردی (هرگاه سرپرستی کودک بر عهده ایشان باشد) قایل به مسئولیت بود؛ زیرا فقدان نسب قانونی از جهت آثاری مانند ممنوعیت ارث و ملحق نشدن فرزند نامشروع به زانی، مؤثر است اما رافع مسئولیت والدین نامشروع به عنوان سرپرست کودک نخواهد بود. مضافاً براینکه این مسئولیت ناشی از تکلیف مربوط به نگاهداری و مواظبت از محجور است نه داشتن قرابت با آنها.^۱

همچنین به موجب قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳، زن و مردی که به عنوان پدر و مادر، سرپرستی طفل را بر عهده می‌گیرند، مسؤول اعمال زیانبار او خواهند بود. در حقوق فرانسه به سه نوع خانواده

تقسیم در نگاهداری یا مواظبت، مسؤول جبران زیان وارد شده از ناحیهٔ مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارد شده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد.^۲

۱) کاتوزیان. ناصر: حقوق مدنی، خانواده، ج ۲،

بر می‌خوریم^۱: خانسواده قانونی (Legitime La famille)، خانواده طبیعی (La famille naturelle) و خانواده‌ای که با پذیرفتن طفل‌س به وجود آمده است (La famille adoptive). در هر سه نوع خانواده، پدر و مادر به سبب رابطه خویشاوندی (در دو نوع اول) از یک طرف و به سبب دارا بودن عنوان محافظ و نگهدارنده، از طرف دیگر، مسؤول جبران زیان‌هایی هستند که فرزند آنها به وجود آورده است، مشروط بر اینکه این کودک با آنها زندگی کند. به موجب حقوق این کشور، هر گاه بتوان عنوان پدر و مادر را بر نگهدارنده کودک صادق دانست، می‌توان آنان را به موجب بند ۴ ماده ۱۳۸۴ ق.م. مسؤول شناخت.

در انگلستان، امروزه فرزندان طبیعی به عنوان یک پدیده گریز ناپذیر قانونی شناخته شده و والدین این کودکان در صورتی که با یکدیگر زندگی کنند، مسؤول اعمال ایشان هستند ولی هرگاه کودک را به دیگری سپرده باشند، مسؤولیتی نخواهند داشت.

۲) فرزند - همانطور که گفتیم در سیستم حقوقی ایران، به موجب ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود. اما این عدم الحاق از جهت ارث و نسب قانونی است نه از جهت مسؤولیت والدین در برابر این کودک. پس هرگاه کودک نامشروع تحت سرپرستی والدین طبیعی خود باشد، مانند فرزند قانونی، مسؤولیت اعمال او بر والدین وی تحمیل می‌شود. همچنین کودکی که تحت سرپرستی زن و مردی قرار گرفته باشد، در حکم فرزند ایشان

محسوب می‌شود. پس در حقوق ایران، والدین مسؤول اعمال فرزندان قانونی خود، فرزند نامشروعی که تحت سرپرستی ایشان قرار دارد و کودکی که طبق قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست، سرپرستی او را پذیرفته‌اند، خواهند بود.

در سیستم حقوقی فرانسه^۲ و انگلیس با توجه به شناسایی قانونی فرزندان طبیعی^۳، فرقی بین این فرزندان و فرزندان قانونی وجود ندارد؛ همچنین فرزند خوانده از نظر حقوقی، مانند فرزند قانونی محسوب می‌شود و والدین این اشخاص، به عنوان پدر و مادر، و نه فقط به عنوان سرپرست، مسؤول اعمال ایشان هستند؛ منتها در انگلیس، اعمال فرزندان طبیعی در صورتی برای والدین مسؤولیت آور است که این کودکان به رسمیت شناخته شده باشند.

بخش دوم - شرایط کودکی که مسؤولیت اعمال او بر عهده پدر و مادر است.

ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، مسؤولیت صغار و مجانین را بر سرپرست ایشان (در صورت ارتکاب تقصیر در نگهداری) تحمیل می‌کند. بدیهی است کودک به نگهداری و مراقبت و تربیت نیاز دارد. هر چند که به فرزند، تا هر سنی که بالا برود، اصطلاحاً فرزند اطلاق می‌شود، اما تنها مسؤولیت فرزندگی که صغیر یا مجنون باشد، بر عهده والدین او خواهد بود. بنابر این پس از خارج شدن از سن صغر، مسؤولیت والدین نیز خاتمه می‌یابد مگر اینکه فرزند، مجنون باشد که

در این صورت، حتی پس از رسیدن به سن رشد و بلوغ تا زمانی که حالت جنون باقی است، مسؤولیت نیز ادامه می‌یابد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به مقررات کنونی، در حقوق ایران، تا چه سنی به کودک - اعم از ممیز یا غیر ممیز - صغیر اطلاق می‌شود؛ با توجه به تغییراتی که در مواد قانون مدنی در مورد سن بلوغ به عمل آمد، اینک به موجب تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است و به موجب ماده ۱۲۰۷ این قانون، صغار و مجانین از محجورین محسوب می‌شوند. در عین حال، تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اعلام می‌دارد که "اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد" از مطالعه این مواد ممکن است چنین استنباط شود که چون سن بلوغ در قانون معین شده و قانون مسؤولیت مدنی نیز ناظر به مسؤولیت سرپرست این اشخاص است، پس کودکان پس از رسیدن به سن بلوغ یعنی نه سال و پانزده سال، خود مسؤول اعمال خویش هستند و مسؤولیت والدین ایشان در این سن

(۱) وریتر - مارتی: حقوق مدنی، ج ۱، اشخاص، ش ۴۶۷ و ۴۶۲

(۲) در فرانسه به موجب قانون ۳ ژانویه ۱۹۷۲ کودکان طبیعی با کودکان قانونی از حقوق یکسان برخوردار شدند.

(۳) در انگلیس در ۱۹۸۷ به موجب آخرین اصلاحات، کودکان طبیعی، قانونی شناخته شدند. (بی وان (Bevan): حقوق کودک، ص ۶۱)

خاتمه می‌یابد؛ اما به این ظهور نباید اعتماد کرد زیرا:

از توجه به تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی که علاوه بر بلوغ، رشد را نیز لازم می‌داند و همچنین رأی وحدت رویه^۱ شماره ۳۰-۳/۱۰/۶۴، که پس از رسیدن به سن بلوغ، رشد را نیز برای اداره اموال و دخالت در امور مالی، توسط صغیر لازم می‌داند استنباط می‌شود که سن بلوغ هنوز همان ۱۸ سال تمام شمسی است؛ زیرا قانون علاوه بر بلوغ رشد را نیز برای اداره اموال لازم می‌داند. از این امر استنباط می‌شود که با رسیدن به بلوغ شرعی، صغیر هنوز درک و قدرت و توان و تصمیم‌گیری لازم را بدست نیاورده و گرنه پس از رسیدن به سن بلوغ، برای دخالت در امور مالی، اثبات رشد نیز لزومی نداشت. مضافاً بر اینکه قانون مسئولیت مدنی که در سال ۱۳۳۹ تصویب شده صغار را با توجه به سن بلوغ که در قانون آن زمان ۱۸ سال تمام شمسی بوده، مورد حکم قرار داده، عملاً نیز اینک در دادگاهها به همین ترتیب عمل می‌شود و سن ۱۸ سال تمام سن بلوغ و رشد، شناخته می‌شود. همچنین پذیرفتن خلاف این استدلال در عمل، ما را با مشکلات عدیده مواجه می‌سازد؛ آیا می‌توان پذیرفت دختری که نه سال تمام قمری یعنی هشت سال و اندی به سال شمسی سن دارد، خود قادر به تصمیم‌گیری و کنترل اعمال خویش است و نیاز به مراقبت ندارد و آیا می‌توان والدین چنین طفلی را در صورت ارتکاب تقصیر در نگهداری و مواظبت از فرزند خود، مسؤول ندانست؟ پس بهتر است گفته

شود که منظور از صغیر در ماده ۷ قانون مدنی شخصی است که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده است. در این مورد فرقی بین صغیر غیر ممیز یعنی کودکی که قادر به تشخیص نیک و بد نیست، با صغیر ممیز که دارای اراده و ادراک و شعور است، وجود ندارد.

در حقوق فرانسه، سن بلوغ، ۲۱ سال تمام است، اما فرزندی که به موجب حکم رشد از قید حضانت والدین خود خارج شده و تحت اقتدار آنان نیست، خود مسؤول اعمال زیان بار خویش خواهد بود و چون در حقوق فرانسه علاوه بر شرط صغر، والدین در صورتی مسؤول اعمال فرزند خود هستند که با وی زندگی کنند و معمولاً فرزند رشید با والدین خود زندگی نمی‌کند، مسئولیت والدین نسبت به اعمال این فرزندان خاتمه می‌یابد.

در سیستم کامن‌لا، ۲۱ سالگی سن بلوغ شناخته می‌شد ولی در سال ۱۹۷۰، سن بلوغ به ۱۸ سالگی کاهش یافت.^۲ فرزند مجنون در هر سنی که باشد، تحت سرپرستی و مراقبت والدین خود قرار دارد؛ به همین جهت والدین در صورت ارتکاب تقصیر (در حقوق ایران و انگلیس) مسؤول جبران خساراتی هستند که مجنون به بار آورده است. مسئولیت والدین در برابر اعمال مجنون مانند مسئولیت در برابر اعمال صغیر، در حقوق فرانسه مفروض است.

بخش سوم - مبنا و شرایط

تحقق مسئولیت والدین

الف - مبناى مسئولیت - در حقوق ایران ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی،

مسئولیت والدین را بر مبنای تقصیر قرار داده است. والدین به عنوان کسانی که معمولاً با فرزندان خود زندگی کرده و از آنها نگهداری می‌کنند وظایفی را بر عهده دارند که هرگاه در انجام آن کوتاهی کنند، مقصر بوده مسؤول شناخته می‌شوند. با توجه به ماده ۷ مذکور، می‌توان گفت که مسئولیت والدین به سبب وظیفه نگهداری و سرپرستی از کودک است نه به جهت دارا بودن عنوان پدر یا مادر، بهمین علت هرگاه کودک با والدین خود زندگی نکند یا موقتاً به دیگری سپرده شده باشد، در طول این مدت والدین مسؤول اعمال او نخواهند بود مگر اینکه ثابت شود، کودک خود را به کسی سپرده‌اند که قدرت و صلاحیت نگهداری او را نداشته است. در این صورت سپردن کودک به افراد فاقد صلاحیت، خود نوعی تقصیر محسوب می‌شود.

در حقوق فرانسه نیز مسئولیت والدین بر مبنای تقصیر قرار دارد، منتها

(۱) رأی مذکور چنین است: ماده ۱۲۱۰ ق.م. اصلاحی هشتم دی ماه ۱۳۶۱ که علی القاعده رسیدن صغار به سن بلوغ را دلیل رشد قرار داده و خلاف آن را محتاج به اثبات دانسته، ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور مربوط به خود می‌باشد مگر در مورد امور مالی که به حکم تبصره ۲ ماده مرقوم مستلزم اثبات رشد است. بعبارة آخری صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و اثبات رشد می‌تواند نسبت به اموالی که از طریق انتقالات قهری یا عهدی قبل از بلوغ مالک شده مستقلاً تصرف و مداخله نماید و قبل از اثبات رشد از این نوع مداخله ممنوع است.

(۲) وینفیلد: حقوق خانواده، ص ۵۹۹

ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی این کشور، برای والدین تقصیر فرض کرده است. تفاوت حقوق ایران و حقوق فرانسه در این است که هرگاه کودک زبانی به بار آورد، در حقوق ایران، زمانی می‌توان والدین را مسؤول شناخت که بتوان تقصیر ایشان را ثابت کرد ولی در حقوق فرانسه، زیان دیده، نیازی به اثبات تقصیر والدین ندارد، برعکس والدین برای رهایی از مسؤولیت، می‌بایست بی‌تقصیری خود را ثابت کنند.

در حقوق آمریکا، اصولاً مسؤولیت والدین در برابر اعمال فرزندان مورد تردید بوده است؛ زیرا عقیده بر این است که والدین بر فرزند خود تسلط ندارند و نباید مسؤول اعمال او باشند. این امر سبب شده که خسارات به بار آمده توسط کودکان بلاجبران باقی بمانند. به این علت بتازگی در ۱۹ ایالت آمریکا، مقرر گردیده که مسؤولیت در برابر اعمال دیگران (vicarious liability) در مورد کودکان و والدین آنها نیز به وجود آید^۱ که این مسؤولیت نیز بر مبنای تقصیر استوار است.

در حقوق انگلوساکسون^۲، مبنای مسؤولیت بر تقصیر قرار دارد، اما به نظر حقوقدانان انگلیسی، با توجه به تولید فزاینده لوازم و اشیاء خطرناک، بهتر است از تئوری خطر پیروی کرد. بنا براینکه در حقوق این کشور تمایل به مسؤولیت بدون تقصیر افزایش یافته هنوز برای تحمیل مسؤولیت بر والدین، تقصیر ایشان باید ثابت گردد.

ب - شرایط تحقق مسؤولیت - حقوقدانان ایرانی و فرانسوی^۳ عقیده

دارند که مسؤولیت والدین در برابر اعمال زیانبار فرزندشان، مسؤولیت ناشی از عمل دیگری نیست، بلکه آنها به خاطر تقصیر خود در نگهداری و مراقبت و تربیت کودک، مقصر شناخته می‌شوند.

در حقوق ایران، ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، با بیان مسؤولیت کسانی که اطفال و مجانین را نگهداری می‌کنند و مسؤولیت کارفرمایان و دولت در قبال اعمال کارگران و مستخدمان، مسؤولیت ناشی از عمل غیر را پذیرفته است. مسؤولیت ناشی از عمل غیر، وسیله‌ای است برای بهتر جبران شدن خسارت در موردی که عامل ورود خسارت، معمولاً قادر به جبران آن نیست.

در حقوق فرانسه ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی، صراحتاً اعلام کرده که اشخاص نه تنها برای اعمال خود که سبب ورود خسارت به دیگری شده، مسؤولیت دارند، بلکه در برابر کسانی که باید پاسخگوی اعمال ایشان باشند، نیز مسؤول هستند.

برای تحقق مسؤولیت والدین شرایطی لازم است که ذیلاً بررسی می‌شود:

۱- ارتکاب تقصیر در نگهداری و

مواظبت - برای اینکه والدین در برابر خساراتی که فرزند آنها به بار آورده، مسؤول شناخته شوند، می‌بایست در نگهداری و تربیت و مواظبت از فرزند خود مرتکب تقصیر شده باشند. این تقصیر در حقوق فرانسه مفروض است ولی در حقوق ایران و کامن‌لا، نیاز به اثبات دارد.

نگهداری و مواظبت، مفاهیمی نسبی است که نمی‌توان تعریف کلی و قاطعی از آن بدست داد. نگهداری و مواظبت، انجام اموری است که با توجه به سن و حالات روحی کودک و جنسیت او باید انجام شود. این امر جنبه شخصی ندارد بلکه به طور نوعی، اعمالی که برای نگهداری و محافظت کودک در سن معین باید انجام شود، ضابطه تعیین حدود این تکلیف است. بعضی حقوقدانان عقیده دارند "نگاهداری" بیشتر در موردی به کار می‌رود که سرپرست در محل سکونت خود از کودک یا مجنون پذیرایی کرده و هزینه‌های مربوط به احتیاجات او را می‌پردازد. ولی "مواظبت" به سرپرستی معنوی و هدایت کودک و نظارت بر معاشرت و تعلیم و تربیت گفته می‌شود.^۴ به نظر می‌رسد آنچه در مورد مفهوم مواظبت گفته شده بیشتر با مفهوم تربیت منطبق است و بهتر است دو مفهوم نگهداری و مراقبت را مترادف دانسته هدایت معنوی را بر تربیت حمل نماییم. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران نیز تعریفی

(۱) پراسر (prosser)، مسؤولیت مدنی، ص ۸۷۱

(۲) John.j. Fleming، جان جی فلمینگ: مقدمه

بر مسؤولیت مدنی، ص ۱۹-۱

(۳) شهیدی - دکتر مهدی: جزوه مسؤولیت مدنی. دوره فوق لیسانس حقوق خصوصی.

دانشگاه شهید بهشتی، سال ۷۶، ص ۳۴؛

کاتوزیان - دکتر ناصر: حقوق خانواده ج ۲،

مازوز (Mazeaud): درسهایی از حقوق مدنی، ج ۲،

ش ۴۸۸

(۴) کاتوزیان - ناصر: حقوق خانواده، ج ۲،

ش ۴۱۵

از نگهداری به دست نداده و آن را، هم حق و هم تکلیف والدین دانسته است. در تعریف و شناسایی حدود نگهداری و مواظبت، عرف نقش مهمی دارد؛ مثلاً نحوه نگهداری از یک کودک ۲ ساله با مواظبت از فرزند ۱۵ ساله یکسان نیست؛ همچنین در محلات مختلف با فرهنگهای گوناگون، این مفاهیم دگرگون می شود و مثلاً اعمالی که برای نگهداری کودک در شهرها لازم است، معمولاً در روستاها انجام نمی شود و عدم رعایت آن هم تقصیر به حساب نمی آید.

در حقوق فرانسه نیز تأیید شده که نگهداری مفهومی است که با توجه به سن فرزند معنا می شود، مثلاً پدری که به فرزند ۱۹ ساله خود اجازه می دهد که هنگام شب تنها از منزل خارج شود یا اتومبیل براند، در نگهداری او مرتکب تقصیر نشده است.^۱

در حقوق انگلیس معیار مراقبت نوعی است و در مورد کودکان، رفتار آنها با معیار ضعیفتری در برابر بزرگسالان در نظر گرفته شده و به همان نسبت باید از آنها مراقبت شود.^۲

منظور از معیار نوعی، معیاری است که با توجه به نوع کودکان در شرایط و وضعیت متعارف و معمولی، در نظر گرفته می شود. بر عکس معیار شخصی، معیاری است که فرد و شخص خاصی را با توجه به همان شخص مورد نظر قرار می دهد. مثلاً نگهداری از کودک ۷ ساله به طور متعارف و معمول، ایجاب می کند که از او پرستاری شود، به مدرسه فرستاده شود و غذا و لباس او در حد مناسب تأمین گردیده، رفتار اجتماعی به وی

آموخته شود. این اعمال معمولاً در مورد کودکی در همین شرایط بدون توجه به سایر اوضاع و احوال رعایت می شود. اما هرگاه کودک ۷ ساله ای را که بیمار است و در خانواده ای مرفه نیز زندگی می کند در نظر بگیریم و از معیار شخصی پیروی کنیم، اعمالی را که در این شرایط برای کودک خاص باید انجام شود، در نظر گرفته، تخلف از آن را تقصیر می شماریم. آموزش نیز یکی از وظایف والدین است، مثلاً والدین می بایست خطرات ناشی از بازی با آتش یا وسایل خطرناک را به کودکان خود گوشزد کنند. سپردن وسایل خطرناکی مانند تفنگ بادی به کودکان و آزاد گذاشتن آنان در استفاده از آن در کوچه و خیابان، تقصیری است که والدین به سبب ارتکاب آن مسؤول جبران خسارت شناخته می شوند.

هنگامی که والدین برای ساعاتی از روز کودک خود را به مؤسساتی می سپارند، باید دقت کنند این اشخاص دارای صلاحیت باشند. هر گونه اهمال و بی توجهی در این راه تقصیر به حساب می آید. پدر یا مادری که کودک ۶ ساله خود را به پیر زنی ناتوان و بیمار که یارای مراقبت از او را ندارد، می سپارند، مقصر هستند؛ در حالیکه اگر همین کودک را به شخصی صالح یا مؤسسه ای معتبر بسپارند، در صورت ایجاد خسارت توسط کودک، خود مسؤول خواهند بود نه والدین؛ زیرا در این راه تقصیری را نمی توان به والدین نسبت داد.

در آمریکا، این طرز فکر وجود دارد که پدر و مادر بر فرزند خود تسلط ندارند و رابطه ای که بین کارگر و کارفرما وجود

دارد. بین ایشان نیست، پس اصولاً نباید والدین را مسؤول اعمال فرزند دانست ولی گاهی در همین کشور والدین به سبب مسامحه در نگهداری کودک، مثلاً به سبب سپردن اتومبیل خود به او، در صورتی که کودک در رانندگی تقصیر کرده باشد، مسؤول شناخته می شوند.^۳

در انگلیس نیز این عقیده وجود دارد که چون کودکان از والدین خود اطاعت نمی کنند، پس نباید والدین را به سبب تقصیر در نگهداری مسؤول شناخت، مع الوصف سیر قضایی این کشور به سوی مسؤول شناختن والدین گرایش یافته است.

تقصیر عبارت است از "آگاهی یا بی احتیاطی در انجام فعلی که سبب ورود خسارت شده است".^۴ در این تعریف، تقصیر عمدی یا غیر عمدی یعنی بی مبالایی و بی احتیاطی نیز جای می گیرد. تقصیر نیز مفهومی مطلق نیست بلکه انجام اعمالی که تقصیر محسوب می شود با توجه به تعریف فوق و وضعیت خاص کودک در اوضاع و احوال خاص معین می گردد. مثلاً هرگاه والدین کودکی مجنون را که حالت خطرناک دارد، به جای سپردن به مراکز خاص، در خانه

(۱) پلانیول (Planiol): رساله علمی حقوق مدنی، ش ۶۳۱

(۲) دیاس و مارکزاینس (Dias and Marquesinis): مسؤولیت مدنی، آکسفورد، ۱۹۸۹، ص ۹۳ و ۹۵

(۳) پراسر (Prosser): مسؤولیت مدنی، ص ۸۷۱

(۴) به نقل از جزوه درس الزامات خارج از قرارداد، تألیف نگارنده، دانشگاه امام

نگهداری کرده و این کودک زبانی به بار آورد، مرتکب تقصیر شده‌اند و ملزم به جبران خسارت هستند.

گفته شد که والدین علاوه بر نگهداری از کودک، مکلف به تربیت کردن او نیز هستند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا تربیت نکردن کودک نیز، تقصیر محسوب می‌گردد؟

امروزه تربیت، مفهومی گسترده و متغیر دارد. مسلماً تربیت در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش مهمی ایفا می‌کند، حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه فرموده‌اند: فرزند را بر پدر، و پدر را بر فرزند حقی است، حق پدر بر فرزند این است که او را نام نیکو نهد و خوب تربیت کند و به او قرآن بیاموزد^۱. مسلم است که تربیت ناصحیح، در رفتار و آینده کودک بسیار مؤثر است و ممکن است او را به سوی ارتکاب جرایم و قانون شکنی سوق دهد. اما رویه نظام قضایی ایران در مورد مسؤول شناختن والدین به سبب تربیت نکردن فرزند خود، ساکت است؛ ولی به نظر می‌رسد که با توجه به حکم کلی ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی ایران، بتوان عدم تربیت را تحت عنوان کلی تقصیر در نگهداری و مواظبت قرار داد، والدین را مسؤول شناخت. لازم به تذکر است که تربیت نیز مفهومی کلی و نسبی است مثلاً در محلاتی که رها ساختن کودکان در کوچه و خیابان و نزاع و کتک کاری ایشان امری عادی و معمولی است، نمی‌توان پدر و مادر را به سبب تربیت نکردن کودکان مسؤول شناخت. بعضی از حقوقدانان ایران نیز با تفسیر موسع، ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی ایران را

شامل "تقصیر در تربیت" هم می‌دانند.^۲ در حقوق فرانسه، نظام قضایی، کوتاهی در تربیت را نوعی تقصیر در نگهداری دانسته؛ در حقوق انگلیس و آمریکا، تقصیر در تربیت، به مسامحه در آموزش کودکان تعبیر شده و حقوقدانان این کشور عقیده دارند عدم تربیت صحیح، خلاف احترام به حقوق دیگران است و هنگامی که کودکی خسارتی به بار می‌آورد، علت آن است که به نحو شایسته‌ای تربیت نشده یا مراقبت لازم از او به عمل نیامده است.^۳

در نظام حقوقی ایران بر خلاف حقوق فرانسه، تقصیر والدین مفروض نبوده و باید توسط زیان دیده اثبات گردد. به عقیده حقوقدانان فرانسوی^۴، هر جا خسارتی به وسیله کودکان به وجود می‌آید، در حقیقت، سبب آن عدم مراقبت و تربیت والدین بوده است. به عقیده اینان، زیان دیده بدون نیاز به اثبات تقصیر والدین، بهتر می‌تواند زیان خود را جبران کند. اما این مسؤولیت مفروض تا جایی باقی است که والدین با فرزند خود زندگی کنند بنابر این هرگاه به علتی نظیر جنون یا زندانی شدن والدین، کودک از ایشان گرفته شود، مسؤولیت مفروض آنها از بین می‌رود، ولی هرگاه کودک بدون عذر موجه خانه را ترک کند، والدین او همچنان مسؤول اعمال او خواهند بود.^۵

بخش چهارم - نحوه جبران

خسارت

کلیه خساراتی که کودک به بار آورده اعم از خسارات مادی یا معنوی، باید بوسیله والدین مقصر جبران شود. ماده ۷

مذکور نحوه جبران خسارت را بیان کرده است؛ به موجب این ماده در درجه اول، والدین مسؤول جبران خسارت هستند ولی در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از خسارت را نداشته باشند، خسارت وارده از مال صغیر یا مجنون جبران می‌شود ولی در هر حال چه خسارت از مال کودک جبران شود و چه والدین مسؤول جبران آن باشند، این ترتیب از این جهت اتخاذ شده که خسارت را کودک به بار آورده و هر چند قسانون، والدین او را مسؤول جبران خسارت می‌دانند، برای رعایت حال شخص مسؤول، جبران خسارت را خارج از حد توان و قدرت بر او تحمیل نمی‌کند. در این صورت هرگاه جبران خسارت سبب عسرت والدین یا کاهش شدید مال کودک گردد، می‌توان از دادگاه درخواست نمود که برای پرداخت خسارت، قرار اقساط دهد.

مطلب قابل ذکر اینکه هرگاه کودک بدون تقصیر والدین خود با لمباشره مالی را تلف کرده باشد، به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی که اعلام داشته "هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است"، خسارت باید از مال خود صغیر یا مجنون جبران شود. و چون

(۱) بهشتی - احمد: اسلام و حقوق کودک،

ص ۱۲۶۴، نهج البلاغه فیض الاسلام

(۲) دکتر کاتوزیان: همان منبع، ص ۴۱۵

(۳) جان فلمینگ: مسؤولیت مدنی، ص ۴۶

(۴) مازو، همان منبع، ش ۴۸۸: پلانول، رسانه

علمی حقوق مدنی، ج ۶، ش ۶۲۷

(۵) مازو: همان منبع، ش ۴۹۳

والدین مرتکب تقصیر نشده‌اند، نمی‌توان آنان را مسؤول جبران خسارت دانست. هرگاه کودک یا مجنون مالی نداشته باشند، جبران خسارت به صورت دین در ذمه ایشان باقی می‌ماند تا دارای اموالی گردند. ولی در هر حال خسارت از اموال والدین قابل جبران نیست. اما هرگاه کودک سبب، ورود خسارت شده باشد، چون مورد از مواردی است که سبب اقوی از مباشر است، خود سبب، مسؤول خواهد بود مگر اینکه کودک صغیر ممیز بوده و سبب آگاه از صغر او نباشد؛ که در این صورت خود کودک، و در صورت تقصیر، والدین او مسؤول خواهند بود. مثلاً هرگاه شخصی، اتومبیل خود را در اختیار پسر شانزده ساله‌ای قرار دهد و این کودک با اتومبیل تصادف کند، مالک اتومبیل مسؤول زیان وارد به خود است مگر اینکه ظاهر این پسر چنان باشد که ۱۹ ساله نشان دهد و هر شخصی در آن شرایط مرتکب این اشتباه شود. به طریق اولی هرگاه شخص مال خود یا دیگری را در اختیار صغیر غیر ممیز قرار دهد و او آن را تلف یا ناقص کند، صغیر مسؤول نخواهد بود. ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، در این مورد مقرر داشته: "هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز یا مجنون دهد صغیر یا مجنون مسؤول تلف یا ناقص شدن آن مال نخواهد بود."

در صورتی که علاوه بر سبب، والدین نیز مرتکب تقصیر در نگهداری کودک شده باشند، مورد از مواردی است که یک زیان به وسیله چند سبب به وجود آمده است؛ در این صورت، مسؤولیت بین ایشان به میزان تأثیری که در ورود خسارت

داشته‌اند، تقسیم می‌شود.

در حقوق فرانسه و انگلیس مسؤولیت والدین به جبران خسارت، در برابر زیان دیده، مسؤولیت تضامنی است، یعنی زیان دیده می‌تواند برای تمام خسارت به هر یک از والدین یا به هر دوی آنها مراجعه کند. اما از ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، نحوه مسؤولیت والدین و تضامن ایشان را نمی‌توان استنباط نمود و چون تضامن بر خلاف اصل بوده و نیاز به تصریح دارد، نمی‌توان بدون مجوز قانونی حکم به تضامن نمود. اما با توجه به ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی که والدین را مشترکاً مکلف به نگهداری کودک نموده، می‌توان ایشان را مشترکاً مسؤول جبران خسارت دانست. در این صورت زیان دیده برای جبران خسارت خود می‌تواند به میزان دخالت و تقصیر هر یک از والدین، به ایشان مراجعه کند. هر چند که قبول مسؤولیت تضامنی، خسارت زیان دیده را بهتر جبران می‌کند، اما با توجه به فقدان تصریح قانونی، حکم به تضامن، دشوار به نظر می‌رسد.

آنچه در این مقاله مورد بحث قرار گرفت، مسؤولیت مدنی والدین به سبب عمل زیان بار فرزندشان بود. بنابر اصل نمی‌توان هیچکس را به سبب جرمی که دیگری مرتکب شده، مجازات کرد. اما در حقوق ایران، با توجه به ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی که دیه را یکی از مجازاتهای مقرر در این قانون ذکر کرده و همچنین ماده ۱۵ قانون که دیه را مالی معرفی می‌کند که از طرف شارع برای جنایت معین شده، اینک رویه قضایی در کشور ما بر این قرار گرفته که هرگاه کودک

نابالغ غیر رشید، مرتکب جرمی شود که مجازات آن دیه است، پدر مسؤول پرداخت دیه می‌گردد و در حقیقت مجازات فرزند بر پدر تحمیل می‌شود. مسؤولیت پدر در این مورد با آنچه به پرداخت دیه که جنبه کیفری دارد، با آنچه در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، مقرر شده و صرفاً جبران خسارت مدنی است، تفاوت دارد. دیه نوعی خسارت ناشی از جرم است که ماهیتی دو گانه دارد یعنی هم مجازات است تا مانع ارتکاب جرم و اتلاف جان و مال دیگران شود و هم به منظور جبران ضرر به شاکی داده می‌شود.^۱ که هرگاه این قسمت آخر را از معنای دیه در نظر بگیریم، می‌توانیم آن را جدای از مجازات و دارای جنبه مدنی بدانیم نه کیفری.

هر چند به موجب ماده ۳۰۷ و ۵۰ قانون مجازات اسلامی، عاقله مسؤول جبران خسارت غیر بالغ است و عاقله عبارتست از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری؛ و طبق این تعریف پدر را نمی‌توان جزء عاقله محسوب داشت، رویه دادگاهها بر این است که دیه در درجه اول از پدر گرفته می‌شود و در صورتی که کودک فاقد پدر یا جد پدری باشد، به ترتیب عمو یا دایی یا کسی که قیمومیت طفل را بر عهده دارد، مسؤول خواهد بود.

۱) کانونزبان-ناصر: مقاله قلمرو دیه و قلمرو آن، مجله کانون وکلای دادگستری، ش ۱۵۶-۱۵۹.